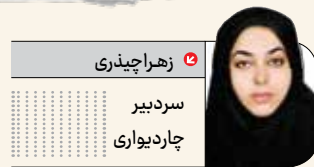


## ماریشه در زمین داریم



زهرا چیدری

سردبیر

چاردیواری

تصور می‌کنم که از بهشت در ذهن ما وجود دارد، تصویری مبتنی بر باغ‌هایی سرسبز با درختان سر به فلک کشیده و نهرهای جاری در پای درختان است. تصویری که از کتاب مقدس ما مسلمانان یعنی قرآن به دست می‌آید و می‌خواهد آرامش ابدی را برای ما به تصویر بکشد. بنابراین بدیهی است که در مواجهه با طبیعت، سرسبزی و گیاهان می‌توانیم احساس آرامش داشته باشیم و با حضور در باغی پر درخت یا دشتی سرسبز، احساس کنیم در بهشت جای داریم اما صرف نظر از آرامشی که زندگی مسالمت‌آمیز با طبیعت برای ما به ارمغان می‌آورد و می‌تواند به دنیای ما رنگ و بوی بهشتی بدهد، مزایای متعددی است که فضای سبز و درختان برای ما به ارمغان می‌آورند.

چرخه تولید اکسیژن و همچنین تعادل دمایی زمین از جمله مزایایی است که پوشش گیاهی زمین برای ما به ارمغان می‌آورد. بگذریم از این‌که خورد و خوراک و نیازهای اولیه ما هم به همین فضای سبز و پوشش گیاهی وابسته است.

در واقع ما انرژی مورد نیاز خودمان را از غذاهایی می‌گیریم که به شکل مستقیم و غیرمستقیم از زمین تولید می‌شوند. پس می‌توان گفت زمین فقط خانه و مأمن ما نیست، بلکه همه زندگی ما به زمین و محیط زیست اطراف مان بستگی دارد و وقتی به بهانه پیشرفت‌های علم و تکنولوژی حواس مان به آسبایی که به زمین می‌زنیم، نیست، در واقع به ریشه‌های خودمان تیشه می‌زنیم و این میراثی که از گذشتگان به ما رسیده و به عنوان امانتی در دست مان است را آلوده و پرچالش می‌کنیم. به این ترتیب برخلاف آنچه گذشتگان ما در حفظ میراث کهن کره زمین و محیط زیست کوشیده‌اند تا زمینی پاک را به ما تحویل دهند، ما با بی‌توجهی به قوانین طبیعت باعث شده‌ایم تا زمین و محیط زیست آلوده شده و با قهر طبیعت مواجه شویم.

سیل، رانش زمین یا فرونشست همه و همه پدیده‌هایی هستند که با دخالت ما آدم‌ها در محیط زیست رخ می‌دهند و به‌گونه‌ای تنبیهی است که طبیعت برای دستکاری‌های ما انسان‌ها در نظر گرفته است. پس بیشتر حواس مان به زمین مان باشد.

درنگ

کارهای درست، زندگی‌های بهتر و در عین حال نجات سیاره‌مان زمین

## «محل سگ بگذارید لطفا!»

سیاره زمین دارد زیر بار مصرف‌گرایی و فرهنگ صنعت‌زدگی جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کند و شاید کارهای کوچکی در این زمینه از دست همه انسان‌ها بر بیاید. بنابراین اگر خیلی به خودتان سخت بگیرید از خرید چیزهای ارگانیک تجملی که دم دست‌تان است مضایقه نمی‌کنید. اگر یادتان بماند بطری‌های خوش‌رنگ و لعاب چند بار مصرف‌تان را با خود به باشگاه ورزشی‌تان می‌برید و امیدوارید با انجام این کارها بتوانید در رابطه با مشکلی که دارد به سرعت به مرحله هشدار می‌رسد، کاری انجام بدهید. کتاب «محل سگ بگذارید لطفا!!» کارهای درست، زندگی‌های بهتر و در عین حال نجات سیاره‌مان زمین، نوشته اشلی پایپر به شما می‌گوید برای زنده نگه داشتن کره زمین و محیط زیست بهتر است چه کارهایی را در داخل و خارج از خانه انجام دهید و همچنین راهکارهایی را برای داشتن یک زندگی سالم‌تر ارائه می‌دهد.

برشی از کتاب

معرفی کتاب محل سگ بگذارید لطفا: وقت آن رسیده که نیت‌های خوب‌تان را به مرحله عمل برسانید و به سیاره‌تان زمین، سلامت‌تان و اثری که از خود بر جای می‌گذارید بیشتر اهمیت دهید. تاکنون هیچ کتابی به این شکل شما را به سوی یک زندگی بهتر، آگاهانه‌تر، مهربانانه‌تر و سالم‌تر سوق نداده است. اشلی پایپر متخصص سبک زندگی سبز با لحنی طنزآلود و به دور از قضاوت، شما را به ایجاد تغییراتی ساده ولی اثرگذار تشویق می‌کند که با عمل به آنها در تمام روزهای زندگی‌تان می‌توانید هر روز بهتر از دیروز زندگی کنید.

دستورالعمل‌های ارائه شده در کتاب محل سگ بگذارید لطفا برای شما هیچ محدودیتی به دنبال ندارد. زیرا این کتاب یک راهنمای کاربردی محسوب می‌شود که در همه جا و هر لحظه به کار شما می‌آید و سرانجام بین انجام کارهای درست و یک زندگی بهتر تعادل ایجاد می‌کند.

با وجود این‌که مردم این روزها بیشتر به مسأله پایایی اهمیت می‌دهند، سیاره زمین در بدترین شرایط ممکن قرار دارد. چطور ممکن است؟ به نظر می‌رسد دلیل این‌که با وجود تمایل به مراقبت از محیط زیست، کار چندانی در این ارتباط انجام نمی‌دهید، ریشه در سه عامل دارد:

- ۱- اعتقاد به این‌که کارایی آیین‌نامه‌ها و قوانین دولتی بیشتر از تلاش فردی است.
- ۲- نبود دستورالعمل‌های قابل اعتبار و شفاف در مورد راهکارهای فردی نیرومند.
- ۳- اعتقاد به این موضوع که زندگی پایا دشوار، دارای هزینه بسیار و از نظر اجتماعی به‌نوعی عجیب و غریب است و نیازمند یک کمال‌گرایی مطلق است.

چنین عقاید محدودکننده‌ای موجب به وجود آمدن تکیه کلام ناامیدانه و خطرناک «ولش کن» می‌شود و آن را به همه چیز و همه جا بسط می‌دهید، در نهایت به جای انجام دادن کاری که از عهده‌تان برمی‌آید، پا پس می‌کشید و از بین رفتن دنیا را نظاره می‌کنید.

در بخشی از کتاب محل سگ بگذارید لطفا! می‌خوانیم: هیچ‌وقت در خانه‌ای بوده‌اید که برای فروش آماده و شسته رفته شده باشد؟ می‌دانید چه چیزهایی در این جور خانه‌ها نیست؟ کلی چیزهای مزخرف! املاکی‌ها وارد خانه‌تان می‌شوند و قبل از این‌که متوجه شوید، می‌بینید دیگر خبری از فنجان یادگاری، کاریکاتوری که در فلان سفر هنرمندی از روی قیافه‌تان کشیده و مهره‌های ماردی‌گراس که با افتخار به همه نشان می‌دادید، نیست که البته دلیلش فقط این نیست که از لحاظ زیباشناختی جذابیتهی ندارند، بلکه یکی دیگر از دلایلش هم این است که علم ثابت کرده به هم‌ریختگی کمتر، مساوی است با آرامش بیشتر. یادتان هست گفتم هر خانواده آمریکایی به‌طور میانگین بالای ۳۰۰ هزار قلم جنس در خانه‌اش دارد؟ کارشناسان تخمین زده‌اند که آمریکایی‌ها روزانه ۵۵ دقیقه از زمان‌شان را صرف گشتن به دنبال وسایل‌شان می‌کنند و این یعنی ۳۰۰۰ ساعت در سال. علاوه بر این‌که این همه وسیله به نفاقت نیاز دارند و این کاری است که همین حالا هم هرکدام از ما در سال سه روز از وقت گرانبه‌ای‌مان را صرفش می‌کنیم. کم کردن وسایل اضافی زندگی و فقط بسنده کردن به آنچه استفاده می‌کنیم، باعث صرفه‌جویی در وقت و سلامت روانی مان می‌شود.



## چرا توبه انسان در دنیای دیگر قبول نیست؟

اولا چون در آن دنیا انسان همه چیز را معاینه کرده و می‌بیند. در آنجا هم وقتی که ادعای توبه می‌کند و می‌گوید خدایا پشیمانم، آن اظهار پشیمانی انقلاب مقدس درونی نیست، انقلاب آزاد نیست. ثانیا انسان همین که از این دنیا رفت، در حکم میوه‌ای است که روی یک درخت بوده و پس از آن‌که رسیده یا به‌صورت کال و نیم‌رس (به هر شکلی) از درخت جدا شده و افتاده است. میوه تا روی درخت است تابع نظام درخت است؛ اگر رشد می‌کند از طریق درخت رشد می‌کند، اگر آب به آن می‌رسد از طریق ریشه‌های درخت است، اگر ماده غذایی به آن می‌رسد از طریق درخت می‌رسد، اگر از هوا استفاده می‌کند از طریق درخت استفاده می‌کند، اگر طعمش شیرین می‌شود به دلیل فعل و انفعالی است که در درخت صورت می‌گیرد. اگر رنگش تغییر می‌کند باز به وسیله درخت است. همین که میوه از درخت افتاد، تمام امکاناتی که برای آن موجود بود از بین می‌رود. تا ساعتی قبل که مثلاً سبزی که روی زمین افتاده است روی درخت به‌صورت نیم‌رس و کال بود، این امکان وجود داشت که رسیده شود، یک مرحله جلو بیايد، رنگش تغییر کند، حجمش بیشتر شود، طعمش مطبوع‌تر شود، شیرین‌تر شود، معطرتر شود ولی همین که از درخت افتاد، تمام امکانات از بین می‌رود؛ یعنی آخرین فعلیتش، آخرین حالتش، در همان لحظه‌ای است که از درخت می‌افتد. انسان میوه درخت طبیعت است، میوه درخت دنیاست. تمام امکاناتی که برای ما انسان‌ها موجود است، در طبیعت و در دنیا موجود است. برای ما خوب شدن در دنیا امکان دارد، وسایل بد شدن و بدتر شدن هم باز در دنیا موجود است. ما که در این دنیا هستیم، روی درخت طبیعت و دنیا هستیم، میوه این درخت هستیم. این جهان همچون درخت است ای گرام

ما بر آن چون میوه‌های نیم‌خام

تا ما روی درخت طبیعت هستیم، همه امکانات برای ما هست؛ اگر عبادت کنیم، مثل میوه‌ای که می‌رسد رسیده می‌شویم؛ اگر گناه کنیم، مانند میوه‌ای که آفت زده می‌شود آفت زده می‌شویم، مثل این‌که کرمی یا شته‌ای از راه درخت به این میوه برسد. توبه هم یکی از امکانات است، مثل آب و غذایی است که از راه درخت طبیعت باید به ما برسد. لذا وقتی مرید دیگر به ما نمی‌رسد، چرا؟ چون عرض کردم توبه یک انقلاب مقدس است و همه تغییرها و انقلاب‌ها و حرکت‌ها مال این دنیاست، همه تغییرمسیردادن‌ها و تغییرجهت‌دادن‌ها مال این دنیاست، بالا رفتن و پایین رفتن در این دنیاست. همین که پا به آن دنیا گذاشتیم، در هر حد و درجه‌ای که هستیم، در هر مسیری که هستیم، به سوی هر چیزی که هستیم، در همان جا متوقف می‌شویم. آخرین حد فعلیت تمام شده است.

یک مثال دیگر؛ یک طفل تا در رحم مادر است وابسته به وجود مادر است، غذایش از ناحیه مادر است، مایع و آب بدنش از وجود مادر است، سلامت و بیماری‌اش از ناحیه مادر است اما همین که از مادر متولد شد، دیگر وابستگی‌اش به او تمام می‌شود، یک نظام دیگر بر زندگی او حکومت می‌کند و دیگر یک لحظه نمی‌تواند با نظام پیشین که نظام رحم است زندگی کند. انسان پس از آن‌که از این دنیا رفت، نظام زندگی‌اش به کلی تغییر می‌کند و عوض می‌شود و امکان ندارد کوچک‌ترین استفاده‌ای از نظاماتی که در این دنیا هست بکند. عمل و توبه، پیشروی و پسروی، بالا رفتن و پایین رفتن و تغییر مسیر و جهت‌دادن، همه مال این دنیاست.

استاد مطهری

آزادی معنوی، ص ۱۳۴

## تنگی معیشت با فراموشی یاد خدا

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ فرمود: کسی که از ذکر من اعراض کند «معیشتی ضنک» یعنی تنگ دارد، برای این است که کسی که خدا را فراموش کند و با او قطع رابطه نماید، دیگر چیزی غیر دنیا نمی‌ماند که وی به آن دل ببندد و آن را مطلوب بگانه خود قرار دهد، در نتیجه همه کوشش‌های خود را منحصر در آن کند و فقط به اصلاح زندگی دنیایش بپردازد و روز به روز آن را توسعه بیشتری داده، به تمتع از آن سرگرم شود، و این معیشت، او را آرام نمی‌کند، چه کم باشد و چه زیاد، برای این‌که هر چه از آن به دست آورد به آن حد

قانع نگشته و به آن راضی نمی‌شود، و دائما چشم به اضافه‌تر از آن می‌دوزد، بدون این‌که این حرص و تشنگی‌اش به جایی منتهی شود، پس چنین کسی دائما در فقر و تنگی به سر می‌برد... در حالی‌که اگر مقام پروردگار خود را می‌شناخت و به یاد او بود... یقین می‌کند که دنیا دار مجاز است و حیات و زندگی دنیا در مقابل آخرت پشیزی بیش نیست. اگر او این را بشناسد دلش به آنچه خدا تقدیرش کرده قانع می‌شود و معیشت‌اش هر چه باشد برایش فراخ گشته، دیگر روی تنگی و ضنک را نمی‌بیند.

ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۴، صفحه ۳۱۵